

بررسی رابطه بین هیجان‌خواهی و میزان رضایت زناشویی

نویسندگان: دکتر محمدباقر کجیاف*، دکتر حمیدظاهر نشاط‌دوست* و قاسم خالوئی**

* استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

** کارشناس ارشد روان‌شناسی

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین هیجان‌خواهی با میزان رضایت زناشویی، و اهداف دیگر آن، بررسی رابطه بین هیجان‌خواهی با جنس، سطح تحصیلات، طول مدت زناشویی و تفاوت سنی بود.

نمونه مورد بررسی شامل ۲۰۰ نفر زن و شوهر از خانواده‌های شهرستان اراک بودند که به روش نمونه‌گیری مرحله‌های انتخاب شده بودند.

ابزار پژوهش عبارت بود از مقیاس هیجان‌خواهی زاگرن فرم پنجم، پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ، و پرسشنامه اطلاعات فردی و خانوادگی.

نتایج تحلیل همبستگی نشان داد بین هیجان‌خواهی و میزان رضایت زناشویی رابطه منفی وجود دارد ($r = -0/168$). نیز رابطه هیجان‌خواهی و سطح تحصیلات معنادار بود ($r = 0/303$). همچنین این نتایج از وجود رابطه منفی بین هیجان‌خواهی و طول مدت زناشویی حکایت داشت ($r = -0/158$). در حالی‌که رابطه بین هیجان‌خواهی و تفاوت سنی معنادار نبود. همچنین نتایج آزمون نشان داد تفاوت میانگین نمرات هیجان‌خواهی مردان و زنان و نیز زوج‌های رضامند و نارضامند معنادار است.

واژه‌های کلیدی: هیجان‌خواهی، رضایت زناشویی

دوماهنامه علمی - پژوهشی
دانشگاه شاهد
سال دوازدهم - دوره جدید
شماره ۱۰
اردیبهشت ۱۳۸۴

۱. مقدمه

خانواده هسته‌ای متشکل از زن و شوهر و یک یا چند فرزند است که روابط اعضای آن در چارچوب نظام همسرگزینی (روابط زناشویی)، نظام ارتباط متقابل والدین و کودک و نظام برادر و خواهری چنان شکل می‌گیرد که افراد بتوانند نیازهای یکدیگر را برآورند. بنابراین، خانواده واحدی است که نقش‌های اجتماعی

متعددی را بر عهده دارد و ارتباط متقابل اعضای آن بر مبنای بنیادها و نیازهای فرهنگی جامعه شکل می‌گیرد. فرد در دوران زندگی به دو خانواده - یکی خانواده‌ای که در آن متولد می‌شود و پرورش می‌یابد و دیگری خانواده‌ای که با همسرگزینی (ازدواج) به وجود می‌آید - تعلق دارد و در قبال آن‌ها تعهدات و وظایفی بر عهده دارد.

اولین وظیفه، جایگزینی نقش زناشویی با نقش قبلی است.

دومین وظیفه زوجین در دوران نامزدی و پیش از عقد ازدواج که باید به آن متعهد باشند، تعیین حدود و ثغور ارتباطات جدید و بررسی صلاحیت و شایستگی طرفین است که در صورت ناکامی طرفین در اجرای نقش‌های این دوره، راه و روش زندگی زناشویی آتی با تضادهای گوناگون مواجه خواهد شد.

سومین وظیفه، برقراری انگیزه اجرای نقش‌های خانوادگی است که در این خصوص ضرورت دارد طرفین از یکدیگر راضی بوده، از لذایذ متقابل زندگی برخوردار باشند.

راسل (Russele, C.S.) در سال ۱۹۷۴ معتقد است هر قدر قیود و تعهدات ازدواج محکم‌تر باشد، بحران‌های زندگی زناشویی کم‌تر و سطح اخلاقیات بالاتر است. همچنین هر قدر، مشکلات دوره زندگی قبل از ازدواج کم‌تر باشد، زندگی زناشویی از نظم و ترتیب بیش‌تری برخوردار است.

با توجه به این که رفتار هر فرد در خانواده دارای کنش آشکار و پنهان است و هر یک از این رفتارها می‌تواند در ایجاد تعادل و بهبود روابط خانوادگی، افزایش تحمل اجتماعی و در نتیجه، سامان‌یافتگی نظام اجتماعی مؤثر باشد، بنابراین شناخت ابعاد رفتار از دو زاویه بزرگ‌شناختی و عاطفی یا به عبارت دقیق‌تر، شناخت شخصیت زوجین ضروری است.

اما بررسی جامعه‌شناختی و بررسی ساختار و وظایف آن هر چه باشد، دوام و استواری خانواده در فراسوی چارچوب‌های اجتماعی حافظ آن که در حد نسبی می‌تواند دوام آن را تضمین کنند، مربوط به توافق دو شخصیتی است که هسته اصلی آن را بنا می‌کنند. پس از زاویه روان‌شناختی، ویژگی‌های شخصیتی زن و شوهر در حکم عوامل اساسی تحکیم خانواده یا به عکس به منزله عوامل فروپاشی آن محسوب می‌شوند [۴].

خانواده به عنوان یک گروه اجتماعی دربرگیرنده بیش‌ترین، عمیق‌ترین و اساسی‌ترین مناسبات انسانی است و علاوه بر آن که منبع اولیه نیازهای اساسی فرد محسوب می‌شود، موقعیت‌های متعدد را برای یادگیری و شکل‌گیری نگرش‌ها و تشکیل باورهای اساسی یک فرد فراهم می‌آورد که برای زندگی اجتماعی و بهره‌وری از میراث فرهنگی و انتقال آن حائز اهمیت است. خانواده، یک گروه صرفاً قراردادی نیست، بلکه یک واحد اجتماعی اولیه از مناسبات انسانی است و مبتنی بر پیوندهایی است که ریشه در طبیعت و فطرت انسان دارند [۱].

خانواده به عنوان یک واحد و سازمان اجتماعی دارای نقش‌ها و وظایف متعددی است. یک خانواده می‌تواند نقش تولیدی و نیز خدماتی را برای خود و تعدادی از افراد اجتماع ایفا کند. نقش آموزشی و تربیتی خانواده نیز مشخص و مسلم است. علاوه بر این نقش‌ها، خانواده در رفع نیازهای جسمانی و روانی اعضایش نقش غیرقابل انکاری به عهده دارد. خانواده در رابطه با نظام ارزشی جامعه نیز نقش بسیار مؤثری ایفا می‌کند، چرا که مهم‌ترین واحد انتقال‌دهنده ارزش‌ها به فرد است. در محیط خانواده، کودک نیازها و خواست‌های جامعه را می‌آموزد و این شناخت او را به گزینش رفتارهای معین و می‌دارد و شخصیت وی را غنی می‌سازد. اجتماعی شدن فرد از خانواده شروع می‌شود و با ورود به سایر گروه‌های اجتماعی تداوم می‌یابد [۲].

راپوپورت (Rapoport, R.) [۳] مراحل ازدواج را به سه دوره برقراری عهد و پیمان ازدواج، شروع ازدواج، و دوره اولیه ازدواج طبقه‌بندی می‌کند. وی اعتقاد دارد که اجرای نقش‌های فردی و زوجی در دوره‌های اول و دوم ازدواج پایه و اساس واحد جدید خانواده در آینده به شمار می‌آید. راپوپورت برای مقابله با انتقال از دوره نامزدی به دوره ازدواج، وظایف زیر را برای طرفین در نظر می‌گیرد:

البته ممکن است رگه هیجان‌خواهی تحت‌تأثیر متغیرهای جنسی، سن و سطح تحصیلی قرار داشته باشد که تفاوت زن و شوهر از لحاظ این رگه با افزایش سن کاهش می‌یابد.

هیجان‌خواهی واژه‌ای معمولی است که برای گرایش افراد به جستجوی انواع گوناگون تحریکات، از لمس و نگاه کردن ساده تا خودنمایی ناشی از فعالیت‌های مختلف به کار می‌رود [۶].

اهدافی که در این پژوهش دنبال می‌شوند عمدتاً در چهار بعد قابل بحث و بررسی هستند:

هدف اول: بررسی رابطه بین هیجان‌خواهی و میزان رضایت زناشویی.

هدف دوم: بررسی رابطه بین میزان رضایت زناشویی و طول مدت زناشویی با میزان هیجان‌خواهی در زوجین.

هدف سوم: بررسی تفاوت بین میزان هیجان‌خواهی مردان و زنان.

هدف چهارم: بررسی تفاوت بین میزان هیجان‌خواهی زنان و مردان رضامند و زنان و مردان ناراضمانند.

براساس اهدافی که مطرح شد، چهار فرضیه اصلی در این پژوهش وجود دارد:

۱. بین هیجان‌خواهی و میزان رضایت زناشویی رابطه معنادار وجود دارد.

۲. بین میزان تحصیلات، تفاوت سنی و طول مدت زناشویی با هیجان‌خواهی رابطه معنادار وجود دارد.

۲/۱. بین هیجان‌خواهی و میزان تحصیلات زوجین رابطه معنادار وجود دارد.

۲/۲. بین هیجان‌خواهی و تفاوت سنی زوجین رابطه معنادار وجود دارد.

۲/۳. بین هیجان‌خواهی و طول مدت زناشویی رابطه معنادار وجود دارد.

۳. بین میزان هیجان‌خواهی زنان و مردان تفاوت معنادار وجود دارد.

۴. بین میزان هیجان‌خواهی زنان و مردان رضامند و زنان و مردان ناراضمانند، تفاوت معنادار وجود دارد.

با دستیابی به ویژگی‌های شخصیتی شاید بتوان در حد قابل ملاحظه، مسیر زندگی خانوادگی یعنی تعامل شخصیت‌هایی را که باید در ارتباط مداوم با یکدیگر، بار زندگی را بر دوش بکشند، ترمیم کرد. به نظر می‌رسد رضایت یا عدم رضایت اعضای خانواده، و در وهله اول زن و شوهر، را باید در مؤلفه‌هایی جستجو کرد که در استمرار یا عدم استمرار خانواده نقش تعیین‌کننده دارند. در این چارچوب، هیجان‌خواهی به عنوان یک خصیصه شخصیتی در گستره هیجانی، موضوعی بسیار قابل ملاحظه است که آثار مشهود و نتایج غیرقابل انکاری بر روابط بین فردی دارد و می‌تواند گوشه‌ای از مسائل مربوط به روابط خانوادگی را در قالب روابط عاطفی بین دو فرد که پیمان زناشویی می‌بندند، روشن کند.

از آن‌جا که درجه هیجان‌خواهی در افراد بسیار متفاوت است، به نظر می‌رسد که نظام‌شناختی و عاطفی هر فرد قاعدتاً بر پایه این خصیصه سازماندهی می‌شود. پس در ارتباط با دیگری باید نوعی تناسب نیز ملحوظ باشد تا بتوان دو فرد را یعنی دو شخصیت را «هم‌افق» تصور کرد. در این صورت باید همبستگی مهمی بین میزان هیجان‌خواهی زنان و مردانی که پیمان زناشویی می‌بندند وجود داشته باشد تا هر دو بتوانند در یک گستره و یک مسیر حرکت کنند [۵].

پس می‌توان انتظار داشت هیجان‌خواهانی که در سطح شدید هیجان‌خواهی قرار دارند تمایل داشته باشند با افرادی نظیر خود ازدواج کنند و همین‌گرایش نیز باید در هیجان‌خواهانی که در سطح خفیف هیجان‌خواهی هستند، مشاهده شود. به عبارت دقیق‌تر، همسازي زن و شوهر در این رگه را باید سبب دوام زندگی زناشویی دانست و بر عکس ناپرابری سطح هیجان‌خواهی زن و شوهر را منبع تعارض‌هایی از قبیل تفاوت در استفاده از اوقات فراغت، در همنشینی با دوستان، در انجام برنامه‌های مسافرت، در ابراز علاقه‌مندی‌های فرهنگی و در نشان دادن بازخوردهایی در زمینه تربیت کودکان دانست که به ناراضماندی و فروپاشی زندگی زناشویی منجر می‌گردد [۵].

۲- روش

۲/۱. جامعه آماری و حجم نمونه و روش اجرا: جامعه آماری این پژوهش را کلیه خانواده‌های شهرستان اراک تشکیل می‌دادند. روش نمونه‌گیری در این بررسی به صورت چند مرحله‌ای بود و از مناطق موجود در شهرستان اراک به روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای به انتخاب آزمودنی‌ها پرداخته شد. در مرحله اول، محله‌هایی به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. در مرحله دوم از محله‌های انتخاب شده، کوچه‌هایی به صورت تصادفی ساده انتخاب گردید و در مرحله سوم کلیه منازل آن کوچه‌ها مورد مطالعه قرار گرفتند و به زن و شوهرهای آن خانواده‌ها پرسشنامه ارائه می‌شد و پس از پاسخگویی به آن‌ها دریافت می‌گردید. حجم نمونه براساس مطالعه مقدماتی و فرمول «دیوید هاوول» (David Howell) برآورد شد. فرمول هاوول بر میزان توان آزمون استوار است و دقیقاً اندازه آزمون مؤثر را نشان می‌دهد. در این پژوهش، حجم نمونه مؤثر با استفاده از مطالعه مقدماتی روی پرسشنامه‌های رضایت زناشویی و هیجان‌خواهی و براساس فرمول مذکور، ۲۰۰ نفر برآورد شد.

روش اجرا در این پژوهش به صورت فردی بود و آزمون هیجان‌خواهی بدون محدودیت زمانی اجرا گردید. معمولاً زمان اجرای این آزمون از ۱۵ دقیقه تجاوز نمی‌کند. چگونگی اجرای آزمون بدین صورت بود که پس از توزیع پرسشنامه در بین آزمودنی‌ها از آن‌ها خواسته می‌شد به دقت راهنمای آزمون را مطالعه کنند و به یکی از دو جزء هر سؤال پاسخ دهند و پاسخ خود را با گذاشتن علامت ضربدر در ستون «الف» یا «ب» پاسخنامه مشخص کنند. ضمناً به آن‌ها تأکید می‌گردید که هیچ سؤالی را بدون پاسخ نگذارند و پاسخی را انتخاب کنند که تمایل و احساس آن‌ها را بهتر توصیف می‌کند.

همچنین پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ در اختیار افراد قرار می‌گرفت و از آن‌ها خواسته می‌شد که به سؤالات پرسشنامه پاسخ دهند. پاسخ به سؤالات

به صورت ۵ گزینه‌ای (کاملاً موافق، موافق، نه موافق نه مخالف، مخالف، کاملاً مخالف) بود. پس از پاسخ دادن به سؤالات، پرسشنامه‌ها گردآوری و نمره‌گذاری می‌شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گرفت.

۲/۲. متغیرها: در این پژوهش، جنسیت با دو سطح (زن - مرد)، سطح تحصیلی، تفاوت سنی، طول مدت زناشویی و هیجان‌خواهی به‌عنوان متغیر پیش بین و رضایت زناشویی با دو سطح (نارضامند، رضامند) به عنوان متغیر ملاک محسوب شدند.

۲/۳. طرح پژوهش: طرح این پژوهش از نوع طرح‌های مبتنی بر اطلاعات قبلی یا پس رویدادی (Expost Facto) است که از جمله این طرح‌ها، طرح گروه ملاک است. طرح گروه ملاک یک طرح همبستگی است [۷].

۲/۴. روش آماری: در پژوهش حاضر برای تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها، از نرم‌افزار رایانه‌ای SPSS و برای آزمودن فرضیه‌ها از آزمون «تی» و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

۲/۵. ابزار پژوهش

الف) مقیاس هیجان‌خواهی فرم پنجم «زاکرمن» (Zuckerman): به منظور جمع‌آوری اطلاعات در مورد هیجان‌خواهی آزمودنی‌ها از مقیاس هیجان‌خواهی زاکرمن استفاده شد. این مقیاس، شکل خلاصه شده‌ای از فرم چهارم مقیاس هیجان‌خواهی ماروین زاکرمن است که در سال ۱۹۷۸ تهیه و تدارک گردیده است. مطالعات زیادی در زمینه این مقیاس بر مبنای تحلیل عاملی صورت گرفته است. مقیاس هیجان‌خواهی فرم پنجم که برای ارزشیابی عوامل هیجان‌خواهی تهیه گردیده از چهار عامل فرعی «هیجان‌خواهی و ماجرا جویی»، «تجربه‌طلبی»، «گریز از بازداری» و «مالال‌پزیری» تشکیل شده و برای هر یک از عوامل، ده ماده آزمون در نظر گرفته شده است. مجموع مواد مقیاس

جدول ۱: اعتبار درونی مقیاس هیجان‌خواهی برای مردان و زنان به نقل از کرولا [۱۰]

عوامل	هیجان‌خواهی و ماجراجویی	تجربه طلبی	گریز از بازداری	ملال‌پذیری	کل نمره
مرد	۰/۸۱	۰/۶۵	۰/۷۸	۰/۶۵	۰/۸۳
زن	۰/۸۲	۰/۶۷	۰/۷۵	۰/۵۹	۰/۸۶

در مطالعه مقدماتی پژوهش کنونی، ضریب همبستگی پیرسون در روش بازآزمایی (به فاصله دو هفته) برای گروه مردان ۰/۷۸۳، برای گروه زنان ۰/۷۹۸ و برای گروه مردان و زنان ۰/۷۹ به دست آمد.

ب) پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ (Enrich)

برای بررسی میزان رضایت زناشویی، پرسشنامه انریچ انتخاب شد. پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ از ۱۱۵ سؤال بسته و ۱۲ خرده مقیاس تشکیل شده که بجز مقیاس اول آن که ۵ سؤال دارد، بقیه مقیاس‌ها شامل ۱۰ سؤال است. پاسخ به سؤالات به صورت ۵ گزینه‌ای (کاملاً موافق، موافق، نه موافق و نه مخالف، مخالف، کاملاً مخالف) است. اولسون (Olson) و دیگران، اعتبار این پرسشنامه را با روش ضریب آلفا ۰/۹۲ گزارش کرده‌اند.

ضریب آلفای فرم ۴۸ سؤالی پرسشنامه در پژوهش میرخشتی ۰/۹۲ و در فرم ۴۷ سؤالی پژوهش سلیمانیان ۰/۹۵ به دست آمده است [۱۱]. در این پژوهش از فرم ۴۷ سؤالی پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ استفاده شده است.

با توجه به تحقیقات مذکور در مورد اعتبار و روایی پرسشنامه فوق، چون این پرسشنامه از اعتبار و روایی خوبی برخوردار بوده، مورد استفاده قرار گرفته است.

۳. نتایج

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون آماری فرضیه‌های تحقیق از ضریب همبستگی پیرسون (فرضیه ۱ و ۲) و آزمون «تی» مستقل (فرضیه‌های ۳ و ۴) استفاده شده است.

شامل ۴۰ ماده آزمون دو جزیی است. ماده‌های این مقیاس از سؤال‌های دو جزیی تشکیل شده که اجزای هر ماده آزمون با دو جزء «الف» و «ب» از هم مجزا و مشخص می‌شوند، به طوری که آزمودنی‌ها می‌توانند به یک جزء از هر ماده آزمون پاسخ دهند. این پاسخ با گذاشتن علامت ضربدر (x) در پاسخنامه مربوط به آن جزء از ماده آزمون مشخص می‌گردد. نمره‌های خام آزمودنی‌ها در هر یک از عوامل چهارگانه مقیاس در هر عامل از صفر تا ده است که براساس کلید نمره‌گذاری تعیین می‌شوند و سپس با مراجعه به جدول تبدیل نمره‌گذاری، نمرات آزمودنی‌ها ارزش واقعی خود را به دست می‌آورند. قابلیت اعتماد درونی که توسط زاکرمن و همکارانش [۸] در مقیاس فرم چهارم و پنجم برای نمونه‌های آمریکایی و انگلیسی محاسبه شده، نشان می‌دهد که قابلیت اعتماد درونی مقیاس کلی در نمونه انگلیسی در حدود نمونه‌های آمریکایی است.

مقیاس کلی چهل ماده‌ای در فرم پنجم، قابلیت اعتماد درونی مناسبی را در محدوده ۰/۸۳ تا ۰/۸۶ نشان می‌دهد. به استثنای مقیاس «تجربه‌طلبی»، کوتاه کردن مقیاس هیجان‌خواهی از فرم چهارم هفتاد و دو ماده‌ای به فرم پنجم و چهل ماده‌ای نه تنها کاهش را در قابلیت اعتماد نشان نمی‌دهد، بلکه منجر به یک مقیاس کلی با قابلیت اعتماد بیش‌تر نسبت به مقیاس کلی فرم چهارم می‌گردد [۹]. در زمینه اعتبار درونی این مقیاس، هر چند تحقیقات بسیاری انجام نشده است، لکن کرولا (Corulla, W.) [۱۰] اعتبار درونی این مقیاس را در کل و برای خرده مقیاس‌ها در مردان و زنان به شرح زیر ذکر می‌کند (جدول ۱).

فرضیه دوم: بین میزان هیجان‌خواهی با سطح تحصیلات، طول مدت زناشویی و تفاوت سنی رابطه معنادار وجود دارد.

چنان‌که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، بین هیجان‌خواهی و سطح تحصیلات همبستگی وجود دارد. میزان این همبستگی برابر با $r=0/303$ است و سطح معناداری این ضریب همبستگی در آزمون دو دامنه $p=0/0001$ است. پس این رابطه معنادار بوده، قسمت اول فرضیه دوم تأیید گردید. همچنین بین هیجان‌خواهی و طول مدت زناشویی همبستگی منفی وجود دارد که میزان این همبستگی برابر با $r=-0/158$ است و سطح معناداری این ضریب همبستگی در آزمون دو دامنه $p=0/026$ است. پس این رابطه معنادار بوده، قسمت دوم فرضیه دوم نیز تأیید گردید. ولی همبستگی به دست آمده بین هیجان‌خواهی و تفاوت سنی ($r=0/063$) با سطح معناداری ($p=0/379$) معنادار نبوده، لذا این قسمت از فرضیه تأیید نگردید.

ب) مقایسه میانگین‌ها (فرضیه ۳ و ۴)

فرضیه سوم: بین میانگین نمرات هیجان‌خواهی مردان و زنان تفاوت معناداری وجود دارد. پیش از آزمون فرضیه سوم، آزمون لوین به منظور آزمون پیش فرض تساوی واریانس‌های دو گروه (مردان و زنان) مورد استفاده قرار گرفت که این پیش فرض تأیید گردید. نتایج آزمون لوین در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴: آزمون لوین برای تساوی واریانس‌ها

گروه	شاخص آماری	F	سطح معناداری (p)
هیجان‌خواهی (مردان و زنان)		۱/۰۵۴	۰/۳۰۶

میانگین و انحراف معیار نمرات هیجان‌خواهی مردان و زنان در جدول ۵ آمده است. چنانچه در جدول ۵ مشاهده می‌شود، تفاوت بین میانگین‌های نمرات هیجان‌خواهی مردان و زنان معنادار است ($p=0/0001$) و لذا فرضیه سوم نیز تأیید می‌گردد.

از آن‌جا که فرضیه‌ها غیرجهت‌دار هستند، لذا آزمون‌های آماری که برای آزمون این فرضیه‌ها به کار بسته می‌شوند، دو سویه خواهند بود. معیار تصمیم‌گیری یا قاعده رد برای این آزمون‌های آماری در سطح معناداری ۰/۰۵ در نظر گرفته شده‌اند. نتایج تجزیه و تحلیل‌های انجام شده برای هر یک از فرضیه‌ها به صورت مجزا و به تفکیک ارائه می‌گردند.

الف) روش همبستگی (فرضیه‌های ۱ و ۲)

میزان همبستگی بین نمرات مقیاس هیجان‌خواهی و پرسشنامه رضایت زناشویی در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: همبستگی بین هیجان‌خواهی و میزان رضایت زناشویی

نام متغیر	رضایت زناشویی	هیجان‌خواهی
ضریب همبستگی	-۰/۱۶۸	
سطح معناداری (p)	۰/۰۱۷	
تعداد	۲۰۰	

فرضیه اول: بین هیجان‌خواهی و میزان رضایت زناشویی رابطه معناداری وجود دارد.

چنان‌که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، بین نمرات مقیاس هیجان‌خواهی و نمرات پرسشنامه رضایت زناشویی همبستگی منفی وجود دارد. میزان همبستگی برابر با $-0/168$ است و سطح معناداری این همبستگی در آزمون دو دامنه ($p=0/017$) است. پس این رابطه همبستگی ($-0/168$) معنادار بوده، فرضیه اول تأیید گردید.

میزان همبستگی بین نمرات هیجان‌خواهی با سطح تحصیلات، طول مدت زناشویی و تفاوت سنی در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: میزان همبستگی بین نمرات هیجان‌خواهی با سطح تحصیلات، طول مدت زناشویی و تفاوت سنی

نام متغیر	سطح تحصیلات	طول مدت زناشویی	تفاوت سنی
ضریب همبستگی	۰/۳۰۳	-۰/۱۵۸	-۰/۰۶۳
سطح معناداری (p)	۰/۰۰۰۱	۰/۰۲۶	۰/۳۷۹
تعداد	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰

جدول ۵: میانگین و انحراف معیار نمرات هیجان‌خواهی مردان و زنان

سطح معناداری (p)	زنان			مردان			جنس
	انحراف معیار	میانگین	تعداد	انحراف معیار	میانگین	تعداد	شاخص
۰/۰۰۱	۳/۷۶	۱۱/۴۲	۱۰۰	۴/۳۳	۱۴/۰۷	۱۰۰	

فرضیه سوم: نتیجه فرضیه سوم نشان داد که بین میانگین نمرات هیجان‌خواهی مردان و زنان تفاوت معنادار وجود دارد ($p=0$)، به طوری که مردها در مجموع بیش‌تر از زن‌ها امتیازکسب می‌کنند (جدول ۵).
فرضیه چهارم: نتیجه فرضیه چهارم تفاوت معناداری را بین میانگین نمرات هیجان‌خواهی مردان و زنان رضامند و مردان و زنان نارضامند نشان می‌دهد ($r=0/005$) و همچنین تفاوت میانگین نمرات هیجان‌خواهی بین زنان نارضامند و زنان رضامند معنادار است ($p=0$).

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های به دست آمده از این پژوهش و ارتباط آن با مطالعات و تحقیقات قبلی می‌توان به بحث و تحلیل در مورد فرضیه‌هایی که در پژوهش حاضر مطرح شده‌اند پرداخت.

فرضیه اول: نتیجه فرضیه اول نشان داد بین نمرات هیجان‌خواهی و میزان رضایت زناشویی، رابطه منفی معنادار وجود دارد. بر این اساس، هر اندازه میزان نمرات هیجان‌خواهی بالا باشد میزان رضایت زناشویی کاهش می‌یابد (جدول ۲). این نتیجه را می‌توان چنین تحلیل کرد که اگر زن یا شوهر، نمره بسیار بالایی در مقیاس هیجان‌خواهی داشته باشد و همسر نمره بسیار پایین، احتمال عدم توافق در زندگی زناشویی افزایش می‌یابد. این مطلب بخصوص وقتی صادق است که نمره زن در مقیاس هیجان‌خواهی بسیار بالا باشد، چرا که خارج از محیط زناشویی برای مردان بیش از زنان فرصت برای ارضای هیجان‌خواهی وجود دارد. شاید هم گرایش زیاد از حد زن به داشتن تجربه‌های تازه به

فرضیه چهارم: بین میانگین نمرات هیجان‌خواهی مردان و زنان رضامند و مردان و زنان نارضامند تفاوت معنادار وجود دارد.

پیش از آزمون فرضیه چهارم، آزمون لوین به منظور آزمودن پیش فرض تساوی واریانس‌ها مورد استفاده قرار گرفت که این پیش فرض تأیید گردید. نتایج آزمون لوین در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶: آزمون لوین برای تساوی واریانس‌ها

سطح معناداری (p)	F	شاخص آماری / گروه
۰/۱۴۶	۲/۱۲۸	هیجان‌خواهی (مردان و زنان)

میانگین و انحراف معیار نمرات هیجان‌خواهی مردان و زنان رضامند و نارضامند در جدول ۷ ارائه شده است.

چنان‌که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، تفاوت بین میانگین‌های نمرات هیجان‌خواهی مردان و زنان رضامند و مردان و زنان نارضامند معنادار است ($p=0/005$) و لذا فرضیه چهارم نیز تأیید می‌گردد.

جمع بندی نتایج

فرضیه اول: نتیجه فرضیه اول نشان داد بین نمرات هیجان‌خواهی و میزان رضایت زناشویی رابطه منفی معنادار وجود دارد. میزان این همبستگی برابر با $r=-0/168$ بود (جدول ۲).

فرضیه دوم: یافته فرضیه دوم بیانگر این بود که بین هیجان‌خواهی و سطح تحصیلی رابطه معنادار وجود دارد. میزان این همبستگی برابر $r=0/303$ بود (جدول ۳).

جدول ۷: میانگین و انحراف معیار نمرات هیجان‌خواهی مردان و زنان رضامند و نارضامند

سطح معناداری (p)	مردان و زنان نارضامند			مردان و زنان رضامند			جنس شاخص
	انحراف معیار	میانگین	تعداد	انحراف معیار	میانگین	تعداد	
۰/۰۰۵	۴/۵۴	۱۳/۶۷	۹۰	۳/۸۷	۱۱/۹۸	۱۱۰	

بود یافت شد که بیانگر این نکته است که هر قدر تفاوت سنی زوجین کم‌تر باشد، تفاوت سطح هیجان‌خواهی آن‌ها نیز کم‌تر است و در نتیجه میزان سازگاری و رضایت زناشویی بیش‌تر است. وقتی افراد بر مبنای رگه هیجان‌خواهی که یک رگه شخصیتی است ازدواج می‌کنند، افراد دارای سطح هیجان‌خواهی شدید با همسران نظیر خود و افراد دارای سطح هیجان‌خواهی خفیف با همسران همانند خویش ازدواج می‌کنند و بدین ترتیب، زندگی زناشویی آنان از پایداری نسبتاً خوبی برخوردار است.

فرضیه سوم: نتیجه فرضیه سوم نشان داد که بین میانگین نمرات هیجان‌خواهی مردان و زنان تفاوت معناداری وجود دارد به طوری که مردها در مجموع، بیش‌تر از زن‌ها امتیاز کسب می‌کنند (جدول ۵). این یافته با یافته‌های زاگرمین [۱۴] مطابقت دارد. تفاوت سطح هیجان‌خواهی در افراد بدان جهت است که آن‌ها رگه هیجان‌خواهی را مانند رگه برونگرایی - درونگرایی به ارث می‌برند [۱۵]. گرچه زاگرمین [۱۴] نیز احتمال می‌دهد که مبنای ژنتیک هیجان‌خواهی به وراثت رگه‌های زیستی وابسته باشد، ولی سطوح غلظت ناقل‌های دوپامین و نوراپی نفرین را برای بروز هیجان‌خواهی با اهمیت تلقی می‌کنند.

سن نیز یکی از عوامل مهم تغییر در امتیازات کلی هیجان‌خواهی به شمار می‌آید. رابطه منفی معناداری بین هیجان‌خواهی و سن به دست آمد. بر این اساس، سطح هیجان‌خواهی با افزایش سن در همه عوامل چهارگانه هیجان‌خواهی کاهش می‌یابد، به ترتیبی که بیش‌ترین افت سطح هیجان‌خواهی از سنین ۴۸ به بعد مشاهده می‌شود، در حالی که در تحقیق زاگرمین [۱۴] بیش‌ترین

این علت مشکل‌آفرین است که در زندگی زناشویی، طبق انتظارات فرهنگی، مرد باید نقش رهبری را به عهده داشته باشد. گیسون، فرانکن، و رولند نیز در تحقیق خود دریافتند که بین هیجان‌خواهی و سازگاری زناشویی در زن‌ها رابطه منفی وجود دارد [۱۲] که یافته فرضیه اول و همچنین نتیجه یکی از یافته‌های فرعی، مبنی بر بالا بودن میزان هیجان‌خواهی زنان نارضامند نسبت به زنان رضامند، در راستای همین یافته‌های گیسون، فرانکن و رولند است.

فرضیه دوم: یافته فرضیه دوم، بیانگر این بود که بین هیجان‌خواهی و سطح تحصیلی رابطه معنادار وجود دارد. بر این اساس، انتظار می‌رود افرادی که تحصیلات بالا دارند در مقیاس هیجان‌خواهی، بیش‌تر از افرادی که تحصیلات پایین دارند، امتیاز کسب کنند (جدول ۳). نتیجه‌ای که با تحقیق زاگرمین [۱۳] هماهنگی دارد. همچنین با بررسی رابطه بین هیجان‌خواهی و طول مدت زناشویی ($r = -0.158$) چنین استنباط می‌شود که با بیش‌تر شدن طول مدت زناشویی، میزان هیجان‌خواهی کاهش می‌یابد. براساس یافته‌های فرعی در این پژوهش بین میانگین نمرات هیجان‌خواهی زوج‌های نارضامندی که طول مدت زناشویی آن‌ها کم‌تر از ۱۰ سال است، تفاوت معناداری وجود دارد و می‌توان نتیجه گرفت که وجود نابرابری سطح هیجان‌خواهی در این دهه می‌تواند در بروز نارضامندی در زندگی زناشویی بیش‌تر از سایر دهه‌های زندگی مؤثر باشد.

بین تفاوت سنی و میزان هیجان‌خواهی رابطه معناداری یافت نشد، ولی براساس یافته‌های فرعی، همبستگی نسبتاً قوی بین سطح هیجان‌خواهی مردان و زنان رضامندی که تفاوت سنی آن‌ها کم‌تر از ۶ سال

رضامندی در زندگی زناشویی به شمار آورد و نابرابری سطح هیجان‌خواهی زوجین را که موجب تعارض‌هایی از قبیل استفاده از اوقات فراغت، انتخاب دوستان، برنامه‌های مسافرت، علاقه‌مندی‌های فرهنگی، تربیتی و اجتماعی می‌گردد، عامل بروز نارضامندی در زندگی زناشویی تلقی کرد.

کاربرد نتایج

استفاده از نتایج کاربردی این پژوهش و پژوهش‌های دیگری از این نوع می‌تواند در تأمین بهداشت روانی خانواده‌ها و در نتیجه جامعه مؤثر واقع شود.

در وهله اول می‌توان به اتکای نتایج این بررسی به تدوین و ارائه یک برنامه فرهنگی به‌منظور حفظ ارزش‌های ازدواج پرداخت. تقدس امر ازدواج و استحکام روابط زناشویی در جامعه ایران امری مسلم و غیرقابل تردید است. از نظر اجتماعی، ازدواج مرحله مهمی از زندگی انسان تلقی می‌گردد و از این رو بحث و بررسی در این زمینه منجر به شکل‌گیری ارزش‌های خاص در دوران بعد از ازدواج می‌گردد.

با توجه به مسائل فرهنگی که ویژگی‌های متناسب با نیازهای طبیعی و منطبق با شرایط اجتماعی را به عنوان ارزش‌های ازدواج در تصور جوانان پدید می‌آورد، باید با ارائه برنامه‌های فرهنگی نسبت به حفظ و توسعه این ارزش‌ها توجه بیش‌تر مبذول گردد.

در وهله دوم، نتایج این بررسی را می‌توان به عنوان رهنمودهایی در قلمرو پیشگیری مورد استفاده قرار داد و از طریق مشاوره خانوادگی، نسبت به بررسی وضعیت شخصیت افراد قبل از ازدواج، ایجاد شرایط لازم برای ازدواج، و شناخت و آشنایی آنان با یکدیگر، کمک شایان توجهی به خانواده‌ها کرد.

در وهله سوم، کاربرد نتایج این بررسی می‌تواند در ارائه خدمات زوج درمانگری به شیوه جلسات مشاوره خانوادگی به‌منظور هماهنگ‌سازی رفتار همسران و برقراری روابط باز با یکدیگر مؤثر واقع گردد و زوجین

کاهش میانگین امتیازات برای زنان بین ۳۰ تا ۵۰ سال و برای مردان در سنین ۴۰ تا ۶۰ سال رخ می‌دهد. همچنین این یافته با نتایج پژوهش پلوفی [۱۶] مبنی بر این‌که سطح هیجان‌خواهی در هر دو جنس با افزایش سن تا دهه ششم عمر کاهش می‌یابد هماهنگی دارد. بنابراین جنس و سن را می‌توان دو متغیر قوی به‌شمار آورد که بر «هیجان‌خواهی و ماجراجویی» و «گریز از بازداری» تأثیر می‌گذارند.

فرضیه چهارم: نتیجه فرضیه چهارم تفاوت معناداری بین میانگین نمرات هیجان‌خواهی مردان و زنان رضامند و مردان و زنان نارضامند نشان می‌دهد که البته تفاوت میانگین نمرات هیجان‌خواهی بین زنان نارضامند و زنان رضامند معنادار است. همان‌طور که پیش‌بینی می‌گردید در زوج‌های نارضامند، همخوانی کم‌تری بین نمرات هیجان‌خواهی مشاهده می‌شود تا در گروه رضامند؛ به‌طوری‌که در زوج‌های نارضامند، تفاوت میانگین نمرات مردها نسبت به همسرانشان معنادار است، یعنی همخوانی کم‌تری بین نمره‌های زوج‌های نارضامند وجود دارد و احتمال می‌رود فقدان همخوانی هیجان‌خواهی در این زوجین بدین سبب باشد که وقتی یکی از زوجین نمره کم‌تر و دیگری نمره بیش‌تر در هیجان‌خواهی دارد، حالت بی‌علاقگی و بازداری در روابط زندگی زناشویی آنان به وجود می‌آید و زوجین در پیدا کردن برخی راهبردها در سبک زندگی که هر دو را راضی کند مقاوم هستند؛ نتیجه‌ای که مشابه آن به‌وسیله فیشر و همکاران او [۱۷] گزارش گردیده است. اما در گروه رضامند، بین مردها و زن‌ها در نمره هیجان‌خواهی همبستگی ($r=0/33$) معنادار است و این همبستگی، کم‌تر از همبستگی ($r=0/43$) بین زوج‌هایی است که فارلی و مولر [۱۸] برای زوج‌های آمریکایی گزارش کرده‌اند. احتمال دارد نمونه حاضر شامل زوج‌هایی باشد که جوان‌تر بوده، مدت زیادی از زندگی زناشویی آن‌ها نگذشته باشد (فارلی و مولر سنین ازدواج آزمودنی‌های خود را گزارش نمی‌کنند). بنابراین همخوانی سطح هیجان‌خواهی را می‌توان عامل

۷. موزر، کالتون. (۱۹۹۰) روش تحقیق، ترجمه ک. ایزدی. (۱۳۷۱). تهران: کیهان.

8. Zuckerman, M., Eysenck, S. (1978) Sensation seeking in England and America: cross-cultural, age and sex comparisons: journal of consulting and clinical psychology. No. 46, pp. 139-149
9. Zuckerman, M. (1983) Sensation seeking and sports. Personality and individual differences. Vol. 1, No. 4, pp. 285-293
10. Corulla, W. (1978) Psychometric investigation of the sensation seeking scale form (V) and relationship to the EPQ - R. Personality differences. Vol. 9, No. 2, pp. 277-287.

۱۱. ثنائی، باقر (۱۳۷۹) مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: بعثت.

۱۲. اتکینسون، ریتا. ل: اتکینسون، ریچارد. س و هیلگارد، ارنست. ر. (۱۹۸۶) زمینه روان‌شناسی، ترجمه محمد نقی براهنی و دیگران. (۱۳۷۳). تهران: رشد.

13. Zuckerman, M. (1991) Some dubious premises in research and theory on racial differences: scientific, social and ethical issues. American psychologist. Vol. 2, No. 45, pp.1297-1303.
14. Zuckerman, M. (1979) Sensation seeking. Beyond the optimal level of arousal. Hillsdale. Lawrence Erlbaum.
15. Eysenck, H.J. (1967) The biological basis of personality. Springfield.
16. Plouffe, L. (1986) Sensation seeking and the electrodermal orienting response in young and elderly females. Personality and individual differences. Vol. 7, No. 1, pp.119-120.
17. Ficher, I.V, Zuckerman, M. Neeb, M. (1981) Marital compatibility in sensation seeking trait as a factor in marital adjustment, sex and marital therapy.
18. Farley, F.H, Mueller, G.B. (1978) Arousal, personality and assortative mating in marriage. Journal of sex and marital therapy. Vol. 6, No.4, pp.50-53.

را در جهت مثبت و سازنده‌ای هدایت کند. امروزه بسیاری از جدایی‌ها، ناشی از فقدان یک مجرای ارتباطی صحیح و وجود روابط نادرستی است که در نظام خانواده وجود دارد. اعضای خانواده به ویژه همسران، نیاز به تبادل نظر و بحث خالی از هرگونه پیشداوری و توأم با صمیمیت دارند تا مشکلات خود را بازنگری کرده، به راه حل مناسبی دست یابند. هر قدر زوجین به این امر مبادرت ورزند، مشکلات آنان سهل‌تر می‌شود و در نتیجه به حل آن امیدوار می‌شوند.

منابع

۱. تاجیک اسماعیلی، عزیزالله (۱۳۷۳) قوام خانواده یک رویکرد اسلامی. پیوند. ۱۸۰، ۵۱-۴۴.
۲. سیف، سوسن (۱۳۶۸) تنوری رشد خانواده. تهران: دانشگاه الزهرا.
3. Rapoport, R. (1962) Normal crisis, family structure, family process. Vol. 1, No. 2, pp. 68-80.
4. Russle, C. S. (1974) Transition to parenthood. Journal of marriage and the family. Vol. 1, No. 36, pp.244-303.
۵. محی‌الدین بناب، مهدی (۱۳۷۵) روان‌شناسی انگیزش و هیجان. تهران: دانا.
6. Corsini, J. (1999) The dictionary of psychology. Philadelphia: Taylor and Francis.